



آیت الله شیخ حسین وحید

(قدس سره)

محمد تقی انهم نژاد

سالکان طریق ولایت بشناسانیم. در این راستا بر آن شدیم به معرفی یکی از شخصیت‌های گمنام و ارزشمند کشورمان؛ یعنی حضرت آیت الله شیخ حسین وحید آستانه‌ای بپردازیم.^۱

افتخار و مباهات هر شهری به چهره‌های علمی و معنوی آن است و وجود ستارگان فروزان نشانه رشد و بالندگی آن مرزوبوم به شمار می‌آیند. معرفی و شناساندن این چهره‌های پر فروغ، مسیر ترقی و تکامل را برای آیندگان خصوصاً مبلغان جوان روشن می‌سازد. شایسته است، به زندگی با برکت این حاملان ارزشهای دینی و مبلغان عرصه دین و اخلاق پرداخته و گنجهای ارزشمند؛ ولی پنهان آن مردمان را به عاشقان هدایت و

۱. شرح زندگی نامه این عالم ربانی در کتب؛ پیشینه تاریخی و فرهنگی لاهیجان و بزرگان آن، نوشته محمدعلی قربانی، ص ۸۳۴-۸۲۸ و دانشوران گیل و دیلم نوشته صادق احسان بخش، ص ۷۰۶ و ماهنامه اصناف گیلان، سال سوم، شماره ۴، سال ۱۳۳۳ شمسی، به صورت مفصل آمده است.

زادگاه و تحصیلات

در قسمت شرقی رودخانه خروشان «سفیدرود» شهر کوچک و با صفایی به نام آستانه اشرفیه قرار دارد که در قدیم، اسم آن «کوچال» بوده، اما به واسطه وجود بارگاه منور حضرت سید جلال الدین اشرف، فرزند برومند امام هفتم - علیه السلام -، آن آبادی بی نام و نشان به آستانه اشرفیه نام گرفته و امروزه هم به همین نام شهرت دارد.

در این شهر کوچک و مذهبی، کودکی در سال ۱۲۷۵ شمسی، در منزل با صفای حاج ربیع دیده به جهان گشود که نام او را «حسین» گذاشتند. حاج ربیع مردی متدین و شب زنده دار بود که علاوه بر انجام کار کشاورزی، سمت پر افتخار خادمی حضرت سید جلال الدین اشرف - علیه السلام - را به عهده داشت و با عشق زائد الوصفی به این خدمت افتخار و مباهات می کرد. حسین دوران کودکی و نوجوانی را به سرعت پشت سر گذاشت و به تشویق والدین خود

برای تحصیل علوم دینی رهسپار لاهیجان گردید. کتب متداول مقدماتی را در این شهر و در نزد اساتید فرزانه به خوبی آموخت و آن گاه به رشت عزیمت کرد و اغلب درسهای حوزوی را در این شهر در محضر اساتید این فن دنبال کرد.

آیه الله سید حسین خلخالی - معروف به محقق خلخالی که از علمای بزرگ و مدرسین والامقام آن شهر به شمار می رفت - از مهم ترین اساتید شیخ حسین در حکمت و معقول بود.

کوچ پرستوی عاشق

آیه الله وحید برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۰۳ شمسی، رهسپار نجف اشرف گردید و مدتی را در مسیر راه در قزوین و در مدرسه التفاتیه در کنار آیت الله سید موسی زرابادی در علوم مختلف خصوصاً حکمت مطالبی فرا گرفت.

و پس از آن، عازم کربلای معلی و نجف اشرف گردید و از محضر دانشمندان بزرگ آن دیار بهره مند

شد و از دانش بیکران آنان خوشه‌های فراوانی چید، که مهم‌ترین اساتید این عالم بزرگوار عبارتند از آیات عظام:

۱. شیخ مرتضی طالقانی (م) ۱۳۶۴ق؛
 ۲. شیخ شعبان رشتی (م) ۱۳۴۸ق؛
 ۳. سید ابوالحسن اصفهانی (م) ۱۳۶۵ق؛
 ۴. سید حسین اشکوری (م) ۱۳۴۹ق؛
 ۵. آقا ضیاء الدین عراقی (م) ۱۳۶۱ق؛
 ۶. میرزا حسین نائینی (م) ۱۳۵۵ق؛
 ۷. ملافتح الله شریعت اصفهانی (م ۱۳۳۹ق)
- آیه الله شیخ حسین وحید، علاوه بر فراگیری دروس خارج فقه و اصول، حکمت، تفسیر، عرفان و سیر و سلوک الهی را نیز از محضر عارف نامدار شیخ مرتضی طالقانی - که از اوتاد و عرفای بزرگ اسلامی نجف اشرف به شمار می‌رفت - فرا

گرفت و به مدت سه سال تمام در خدمتشان تلمذ نمود و از دریای علوم و معارف آن بزرگوار علماً و عملاً بهره‌مند شد.

رجعت عالمانه

آیه الله وحید در سال ۱۳۱۶ شمسی، بعد از کسب کمالات علمی و فضائل اخلاقی و معنوی و نائل شدن به مقامات والای انسانی و بعد از اخذ اجازات کم نظیری از اساتید فرزانه و نامدارش، به مفاد آیه نافر عمل کرده و به زادگاهش آستانه اشرفیه بازگشت و تا آخر عمر شریف خویش، محبوب دینداران این دیار قرار گرفت. مرحوم وحید در میان مردم آستانه اشرفیه و حومه، محبوبیتی خاص داشت و از نفوذ سیاسی و اجتماعی یک مرجع برخوردار بود. محبوبیت فراوان آن مجتهد وارسته، تنها در سایه اخلاق و پرهیزگاری شکل گرفت.

تندیس اخلاق

این مرد ربانی، تواضع و فروتنی فوق العاده‌ای داشت و با آنکه از نظر

علمی در مقام بالایی از فقاہت بود،
همراهی و تفقد از مردم را بر خود
لازم می‌دانست و این خود یکی از
رموز محبوبیت به شمار می‌رفت.

نگارنده در چندین سفر تبلیغی
که به آستانه اشرفیه و بندر کیشهر و
روستاهای اطراف آن داشته است،
می‌گوید: بعد از گذشت بیش از
پنجاه سال از رحلت آن عالم ربانی،
همچنان از صفات و اخلاق برجسته
او به خوبی در میان مردم یاد
می‌شود و آنان از سر صدق و صفا و
از عمق جان به وی اعتقاد دارند. در
یک کلمه، مردم آن دیار، دین داری
خود را مدیون کارها و تبلیغات
دینی و عملی آیه الله وحید می‌دانند.

در بارگاه نور

او از فرصتهای تبلیغی بهترین
بهره را می‌برد. آیات الهی را با بیانی
روان و ساده برای مردم تفسیر
می‌کرد و قلوب مشتاقان وحی را
روشنایی می‌بخشید و مردم را از نور
تفسیر قرآن، بهره‌مند می‌ساخت.
برخی از روحانیون و نیز پیر مردان
روشن ضمیر و آگاه که سالیان

متممادی از منابع آن بزرگوار بهره‌مند بوده‌اند می‌گفتند: «حضرت آیه الله وحید دارای بیانی شیرین بودند، به صورتی که مشکل‌ترین مسائل علمی و دینی را با بیانی ساده برای همگان بیان می‌کردند. و با اینکه دارای علوم باطنی بودند ولی هیچ‌گاه کسی را با آن چشم نمی‌نگریستند. رفتار و کردار این مرد بزرگ در طول زندگی خویش، به ویژه در دوران حکومت خفقان‌آور رضاخان و اوایل حکومت فرزندش - که آشفته بازار فرقه‌گرایی و تفرقه‌افکنی و دین ستیزی بود - در ایجاد جامعه دینی و مذهبی آن سامان، نقش بسیار عمده‌ای داشت.»^۱ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

در منتخل اندوس

رسال جامع علوم انسانی

آیه الله وحید هر روزه مقید بود که برای ارشاد و هدایت مردم به منبر برود و آنان را با پند و موعظه سازنده خویش، در مسیر الهی سوق

۱. مصاحبه نگارنده با برخی از روحانیون محترم آستانه اشرفیه، که خلاصه‌ای از آن در اینجا درج گردید.

دهد و از آنجایی که سخنان وی نافذ و مؤثر بود و از دل با صفای او بر می‌خاست، لاجرم بر دلها می‌نشست.

حضرت آیه‌الله قربانی، نماینده ولی فقیه در استان گیلان و امام جمعه رشت می‌فرمود: «وقتی من جوان بودم، روزی پای منبر ایشان در مسجد کنار حرم سید جلال - الدین اشرف - علیه السلام - حاضر شدم و یادم هست که ایشان این شعر را می‌خواندند:

دائماً هر کس اصلی گنگ گشت
ناطق، آن کس گشت کز مادر شنید
ایشان درباره اینکه حواس ظاهری
راه ارتباط با دنیای خارج است،
صحبت می‌کردند.^۱

خدمات عمرانی

آیه‌الله وحید مساجد متعددی را در آن منطقه تأسیس نمودند که مهم‌ترین آن عبارت است از: مسجد جامع آستانه اشرفیه.

علت تأسیس این مسجد و نیز مهاجرتشان به آستانه اشرفیه به خاطر خوابی بود که معظم له در نجف اشرف دیده بودند. ایشان در این باره فرمودند: «در خواب دیدم مرا بر هودجی سوار و در شهر آستانه اشرفیه مقابل حرم حضرت سید جلال الدین اشرف - علیه السلام - با عزت و احترام پیاده کردند و امر فرمودند در آنجا مسجد و مدرسه علمیه بنا سازم، که الحمد لله این توفیق به لطف الهی بدست آمد.»

نا گفته نماند که مسجد جامع و مدرسه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه، بعد از رحلت آن عالم ربانی، توسط آیه‌الله دکتر ضیایی به شکل آبرومندی بازسازی و توسعه داده شد و همه امکانات رفاهی و کتابخانه بدان اضافه گردید.^۲

بازسازی بقعه آقا سیدجلال الدین اشرف - علیه السلام - از دیگر اقدامات این مبلغ دینی بود.

۲. مجله مبلغان، شماره ۶۵.

۱. پیشینه تاریخی فرهنگی لاهیجان، ص ۸۳۰.

سید ابراهیم المرتضی الاصفغر، ملقب به جلال الدین اشرف فرزند امام هفتم - علیه السلام - در سال ۱۸۰ ق در مدینه متولد و بعد از شهادت امام رضا - علیه السلام - به گیلان آمد و با همکاری مردم این دیار، علم مخالفت را علیه دولت عباسیان بر افراشت و بعد از ۱۳ سال حکومت و نبرد و مبارزه، سرانجام در سال ۲۲۳ قمری توسط ایادی دولت عباسیان در رودبار شهید شد. دوستان وی برای اینکه جسد این شهید بزرگوار از حقد و کینه دشمنان اسلام در امان بماند، آن را در تابوتی گذارده و تابوت وی را طبق وصیت آن حضرت در آب خروشان سفیدرود رها ساختند. تابوت حامل پیکر مطهر حضرت، در حوالی لاهیجان در قریه کوچگان به ساحل رسید و پیکر پاکش توسط دوستان، در این آبادی بی نام و نشان به خاک سپرده شد، که بعدها به برکت وجود مرقد مطهر آن حضرت، به صورت یکی از شهرهای مشهور شمال ایران در آمده

است.^۱ در طول قرون متمادی ساختمانهای زیادی بر آن مرقد پاک، ساخته شد؛ ولی ساختمان امروزی، به دست با کفایت آیه الله وحید بر آن مرقد شریف پایه گذاری گردید که امروزه یکی از شریف ترین مکانهای مذهبی استان گیلان به شمار می رود.

آئینه بصیرت

او سالیان متمادی سالک راه حقیقت بود. صفای روح و کمال نفسانیش گواه بر این مدعا است. آیه الله وحید تکامل در اخلاق و عرفان عملی را مرهون زحمات و هدایتهای معنوی استادش مرحوم طالقانی می دانست.

عادات این مرد بزرگ این بود که بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب تدریس می کرد و ثلث آخر شب را

۱. شرح حال و خدمات حضرت سید جلال الدین اشرف - علیه السلام - به صورت مستقل در کتب ذیل آمده است: تاریخ انقلاب سید جلال الدین اشرف، قاسم غلامی کفترودی، تاریخ میرجلال الدین اشرف مؤلف نامعلوم، جنگ نامه سید جلال الدین اشرف به اهتمام دکتر محمد روشن.

همیشه بیدار و مشغول عبادت و دعا بودند.

آیه الله وحید همواره در مدرسه علمیّه جلالیه - که با دست توانای خویش آن را پایه گذاری کرده بود - مشغول تدریس طلاب و سربازان حضرت ولی عصر - علیه السلام - بود.

حجة الاسلام و المسلمین آقای تاج لنگرودی واعظ در این باره می نویسد:

«حقیق در دوران تحصیل در حوزه، به عنوان گذراندن ایام تعطیلی به وطنم لنگرود رفته بودم، روزی تصمیم گرفتم از لنگرود به آستانه رفته تا هم مدرسه را ببینم و هم محضر آقای وحید را درک نمایم. وقتی وارد آن مدرسه شدم با بعضی از طلاب آشنا نشستیم و مشغول صحبت شدیم، در همین حین پیرمردی با پیراهن بلند، حیاط مدرسه را جارو می زد و آشغال جمع می کرد. به یکی از طلاب

گفتم: خیلی مایلم آقای وحید را ببینم. ایشان گفتند: همین پیرمردی که پیراهن بلند پوشیده و عرقچین بر سر دارد و حیاط مدرسه را جارو می زند، آقای وحید است که هم درس می گوید و هم هنگام نماز به مسجد جوار سید جلال الدین اشرف رفته و نماز جماعت می خواند و هم خدمت به طلاب می کند»^۱

غروب ستاره آستانه

سرانجام این مرد وارسته و عالم جلیل القدر، به علت عارضه سکته قلبی در شب جمعه، دوم جمادی الثانی ۱۳۷۴ قمری مطابق با ۸ بهمن ۱۳۳۳ شمسی دار فانی را وداع گفت و مردم آن خطه را داغدار کرد.

۱. دین ما، علمای ما، تألیف محمد مهدی تاج لنگرودی واعظ، ص ۵۵.